

## ابن ابی زرع و روض القرتاس<sup>۱</sup>؛<sup>۲</sup>

یونس فرهمند

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

farahmand@tpf-iau.ir

### چکیده

نوشتار حاضر، جستاری است در یکی از مهم‌ترین تواریخ محلی مغرب، خاصه عصر مرینی، به نام *الانیس المطرب بروض القرتاس فی اخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینة فاس*. این نوشتار ضمن بررسی دیدگاه‌های مختلف در موضوع بحث برانگیز هویت نویسنده واقعی کتاب، پس از بازخوانی محتوای اثر، شیوه تدوین، اسلوب نگارش، منابع مؤلف و نیز در خلال آن، جایگاه کتاب را در بین نوشته‌های تاریخی عصر مرینی باز می‌نماید و بدین نتیجه می‌رسد که ابوالحسن بن عبدالله بن ابی زرع نویسنده دست‌کم بخش‌های زیادی یا ویراست اول کتاب است و نظر به این که مرینیان و فاس محور بحث‌اند، کتاب رنگ دودمانی و فضائل نگاری دارد و از آنجا که مؤلف در عصر بازپس‌گیری اراضی اسلامی اندلس می‌زیسته، جزئیات ارزشمندی از این وقایع، خاصه آخرین نبردهای مسلمانان با مسیحیان در دوره مرینی را با نثری ساده و روان به ثبت آورده و سرانجام این که وی در تبیین مطالب تاریخی از سکه‌ها، کتیبه‌ها، منابع مکتوب و مشاهدات خود به خوبی بهره گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** تاریخ‌نگاری مغرب، تواریخ محلی، ابن ابی زرع، مرینیان، روض القرتاس، فاس.

### درآمد

تواریخ محلی به آثاری اطلاق می‌شود که غالباً در نتیجه علاقه مورخ به موطن و مولد خویش پدید آمده است؛ از این رو انگیزه ملیت‌گرایانه مؤلف به وضوح از خلال مطالب آن آشکار است.<sup>۳</sup>

۱. این مقاله بخشی از رساله دکتری نگارنده است که با موضوع «تاریخ‌نگاری مغرب در قرن هشتم» و به راهنمایی

دکتر هادی عالم‌زاده در واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی در دست تدوین است

۲. تاریخ وصول: ۱۳۸۵/۹/۱۵، تاریخ تصویب: ۱۳۸۵/۱۱/۳۰.

۳. سالم، ۱۰۵.

مورخان قرون نخستین اسلامی در شرق و غرب جهان اسلام بر ضرورت اهتمام به این کار تأکید بسیار داشتند، چنانکه از ابوعلی حسین سلامی (د. ۳۷۴ق) صاحب کتاب مفقود/خبار ولاة خراسان منقول است که می‌گفت: «بر ارباب معرفت هر شهر و دیار واجب است که تاریخ امرا و سرزمین خود را بدانند و حفظ کنند؛ هیچ چیز برای آنان بدتر از این نیست که به مطالعه تاریخ دیگران بپردازند و از اخبار دیار خویش غفلت ورزند؛ چنین کاری به این می‌ماند که فردی به بهانه انجام نوافل به ترک واجبات مبادرت ورزد»<sup>۱</sup>.

توجه به نگارش تواریخ محلی تنها منحصر به شرق جهان اسلام نبود؛ این معنا از خرده‌گیری و انتقاد مورخ مغربی، ابوعلی حسن بن محمد بن ربیع قیروانی بر ابن حزم قرطبی (د. ۴۵۶ق) مبنی بر تساهل اندلسیان در نگارش تاریخ محلی سرزمینشان به خوبی نمودار است. اگر چه ابن حزم در پاسخ وی، تلاش مورخان اندلس را در این زمینه ستود و برای اقناع مخالف خود به کتاب احمد بن محمد رازی تمسک جست<sup>۲</sup>. از این دو نمونه می‌توان به اهتمام جدی مورخان قرون اولیه اسلامی به تواریخ محلی پی برد<sup>۳</sup>. این گونه تواریخ در مغرب نیز اقبالی عام یافت و به زودی درباره شهرهای مهم مغرب آثاری پدید آمد که به ویژه فاس در میان آنها موقعیتی ممتاز داشت<sup>۴</sup>؛ نگارش تواریخ محلی در قرن هشتم هجری نیز ادامه یافت و ابوالحسن علی بن عبدالله بن ابی زرع<sup>۵</sup>، مهمترین تاریخ محلی مغرب در این قرن را با نام *الانیس المطرب* بروض القرطاس فی اخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینه فاس پدید آورد. از زندگانی او اطلاعاتی بایسته در دست نیست، اما از خلال کلمات وی می‌توان پنداشت که در فاس تولد یافته و در آنجا بالیده و فاس را به مقصد سفری دوردست ترک نکرده باشد. مشهور است که خاندان وی در اواخر دوره موحدون و اوایل روی کار آمدن مرینی‌ها در فاس شهرت بسیار داشتند و افرادی ذی‌صلاح و دانشمند از میان آنها برخاستند؛ وی نیز از بزرگان و منسوبان به این خاندان و از جمله معدلان شهر بود<sup>۶</sup>. در باب نام کامل او اختلاف بسیار است<sup>۷</sup>، بدین سبب ابن تاوایت وی را

۱. سخاوی ۷۵، نیز Rosenthal, 150.

۲. مقرئ، ۱۷۵/۳؛ سالم، ۱۰۶.

۳. سالم، ۱۰۵-۱۰۶.

۴. در باب نوشته‌های محلی فاس نک: ادامه مقاله، بخش منابع ابن ابی زرع.

۵. زرکلی، ۴۴/۳ نیز قس: Idris, "Ibn Abi zar" *EF*<sup>2</sup>, 3/695.

۶. بن منصور، ۵؛ فکرت، «ابن ابی زرع»، دبا، ۶۵۶/۲.

۷. نک: زرکلی، همانجا، حاجی خلیفه، ۱۹۹/۱، ۹۶۲/۲؛ اسماعیل پاشا بغدادی، ۷۱۷/۱؛ کحاله ۷۸۱/۷.

با فرد دیگری از مشاهیر فاس که با مؤلف ما هم‌عصر بوده، یکی پنداشته و تصویری نادرست از اواخر حیات او ارائه کرده است.<sup>۱</sup> به هر روی به رغم این که برخی از منابع متقدم او را محمد نامیده‌اند، نام علی که همشهری و معاصرش جزنائی به او داده، مقبول‌تر به نظر می‌رسد؛<sup>۲</sup> زیرا که بسیاری از نسخ خطی قرن هشتم نیز در ذکر نام علی با جزنائی موافقتند.<sup>۳</sup>

شهرت او بیش از هر چیز مرهون مهم‌ترین و بزرگ‌ترین تاریخ محلی مغرب در قرن هشتم است که عنوان متکلفانه *الانیس المطرب بروض القرطاس فی اخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینه فاس* را بر خود دارد و در آن مطالب ادبی، تاریخی و جغرافیایی را با هم آمیخته است. پیش از بررسی کتاب، اشاره به دیگر آثار او یعنی *الذخیره السنیه فی تاریخ الدوله المرینیة* و نیز *ازهار البستان فی اخبار الزمان و ذکر الموجود مما وقع فی الوجود ضروری* به نظر می‌رسد. دو کتاب اخیر مفقود است اما از خلال گفتار مؤلف در *الانیس المطرب* به خوبی توان دانست که هر دو به موضوعات تاریخی اختصاص داشته‌اند؛<sup>۴</sup> خاصه کتاب *ازهار البستان*<sup>۵</sup> که به تصریح ابن ابی زرع کتابی بزرگ بوده<sup>۶</sup> و چنان که از نام آن پیداست می‌توان آن را در زمرة تواریخ عمومی جای داد. از کتاب دوم *ذکر الموجود*، جز آن که مؤلف یک بار از آن یاد کرده، اطلاعی در دست نیست.<sup>۷</sup>

### هویت نویسنده کتاب

پیش از این اجمالاً به اختلاف محققان در تعیین نام دقیق مؤلف اشاره کردیم؛ در این جا با توسعی بیشتر به علت این اختلاف و مهم‌تر از آن تشکیک در صحت انتساب کتاب به ابن ابی زرع خواهیم پرداخت.

نویسندگان هم‌عصر مؤلف که غالباً از مشاهیر مورخان مغرب‌اند، نخستین کسانی بودند که به این اختلاف دامن زده و شناخت هویت نویسنده را دشوارتر کرده‌اند؛ ابن احمر (د. ۸۰۷ق) از

۱. ابن تاویت، ۴۱۲.

۲. ابن قاضی، ۱۹۳.

۳. ابن منصور، ۶.

۴. ابن ابی زرع، ۲۱، ۱۶۶.

۵. حاجی خلیفه آن را *زهره البستان* خوانده، ۹۶۲/۲.

۶. ابن ابی زرع، ۲۱.

۷. همو، ۱۶۶.

دو قرطاس کبیر و صغیر یاد کرده و اولی را مفقود و تألیف احمد بن ابی زرع، خطیب و واعظ جامع قرویین دانسته و کتاب موجود کنونی را *قرطاس صغیر* و تألیف صالح بن عبدالحلیم دانسته است؛<sup>۱</sup> برخلاف او جزنائی مؤلف جنی زهره/الاس کتاب را تألیف ابوالحسن بن عبدالله بن ابی زرع دانسته<sup>۲</sup>؛ از سوی لسان الدین بن خطیب<sup>۳</sup> و ابن مرزوق تلمسانی<sup>۴</sup> تنها به ذکر «ابن ابی زرع» اکتفا کرده و از نام اصلی مؤلف سخنی به میان نیاورده‌اند. در حالی که دیگر مورخ ناشناس قرن هشتمی، صاحب کتاب *مفاخر البربر* از فردی گمنام به نام ابوعلی صالح بن ابی صالح بن عبدالحلیم، منسوب به قبیله هیلانه مضموده، ساکن در شهر نفیس به عنوان مؤلف کتاب یاد کرده که گویی در سال ۷۱۲ق در قید حیات بوده و برخی او را مؤلف *قرطاس خوانده* اند.<sup>۵</sup>

بحث درباره هویت نویسنده همزمان با شهرت روزافزون کتاب، نظر طیف وسیع‌تری از محققان حوزه مغرب اسلامی را به خود معطوف داشت و به حق در این زمینه باید به تحقیقات شایسته تقدیر اما بی‌نتیجه لوی پرونیس اشاره کرد که ضمن مقالات متعدد به بررسی این مهم پرداخت. وی نخستین بار در سال ۱۹۲۳م در مقاله‌ای با عنوان «دو نسخه خطی جدید از *روضه النسرین*» به اقتباس گسترده ابن احمر از *انیس المطرب* اشاره کرد و وعده داد پژوهشی مستقل در این موضوع ارائه خواهد کرد؛ اما ظاهراً هرگز مجال این کار یا انتشار آن را نیافت؛ بار دیگر در سال ۱۹۳۴م وی با دستیابی به نسخه خطی مجهول المؤلف *مفاخر البربر*، فرضیه ابومحمد صالح بن عبدالحلیم غرناطی را به عنوان مولف *انیس المطرب* مطرح کرد<sup>۶</sup> و چهار سال بعد در مقاله‌ای با عنوان «تأسیس شهر فاس»<sup>۷</sup> با استفاده از پاره‌ای تراجم مغربی، خاصه ذکر *مشاهیر اهل فاس فی القدییم* از دو رونوشت کتاب خبر داد و رونوشت اول را به ابوالعباس احمد بن ابی زرع، واعظ و پیشوای جامع قرویین فاس (د. میان سالهای ۷۱۰-۷۲۰ق) نسبت داد

۱. منونی، ۶۹.

۲. جزنائی، ۲۴، ۲۸.

۳. ابن خطیب، ۶/۱.

۴. ابن مرزوق، ۱۰۸-۱۰۹.

۵. ابن سوده، ۱۵۲.

6. Provencal, "Deux nouveaux manuscrits de Rawd an Nisrin" dans *J.A. CCIA*, (12), p.221.

7. Idem, *Fragments Historiques sur les Berberes au moyen âge. Extraits intitulé kitab Mafakir AL barbar*, p.75, Rabat, 1934.

8. Idem, "La foundation de fes", p.43, note 8, *Tatwan*, 7, 1962.

و رونوشت دیگر را به صالح بن عبدالحلیم (د. ۷۲۶ق) منسوب کرد و مؤکداً شخص اخیر را همان کسی دانست که مولف *مفاخر البربر* از او یاد کرده است. همو در سال ۱۹۵۴، در مقاله‌ای که با موضوع فتح آفریقای شمالی نگاشت<sup>۱</sup>، انتساب کتاب به ابوعلی صالح بن ابوصالح عبدالحلیم هیلانی مسمودی، ساکن شهر نفیس را مردود اعلام کرد<sup>۲</sup>. پس از وی محمد فاسی، پژوهشگر مغربی ضمن مطالعه منابع پروتسال، از دو *قرطاس* کبیر و صغیر سخن داشت و اضافه کرد که قرطاس بزرگ تألیف ابوالعباس احمد بن ابی زرع، مفقود گشته و آنچه امروزه به نام *الانس المطرب* در دست است، همان *قرطاس* صغیر است که صالح بن عبدالحلیم آن را نوشته است<sup>۳</sup>. در میان آراء متناقض فوق آنچه بر این تردیدها می‌افزاید مدعای غیر مستند محمد بن طیب قادری است مبنی بر وجود دو تألیف مستقل از ابن ابی زرع و ابن عبدالحلیم و این که وی هر دوی آنها را با هم مقابله کرده و تألیف ابن ابی زرع را مختصرتر از ابن عبدالحلیم دانسته است<sup>۴</sup>. باری با عنایت به گفته‌های مورخان متقدم و پژوهشگران امروزی و اختلاف نظرهای آنان، در یک دسته‌بندی کلی می‌توان یکی از این چهارتن را به عنوان مؤلف کتاب مذکور پیشنهاد کرد:

۱. ابوالحسن علی بن عبدالله بن ابی زرع
۲. ابوالعباس احمد بن ابی زرع
۳. ابو محمد صالح بن عبدالحلیم غرناطی
۴. ابوعلی صالح بن عبدالحلیم مسمودی

بسیار دشوار به نظر می‌رسد که ابوالعباس احمد بن ابی زرع را که از او به عنوان امام جامع قرویین یاد شده<sup>۵</sup> مولف *روض القرطاس* بدانیم؛ زیرا از یک سو در کتاب از او با القاب «شیخ فقیه صالح مبارک» یاد شده و از سویی دیگر به تألیف کتاب به دست او هیچ اشاره نشده است؛ به علاوه بعید می‌نماید که مؤلفی به تصریح نام و با القاب ستودنی فوق از خود یاد کند و به هنگام سخن از آن به جایگاهش که مؤلف کتاب است، اشاره‌ای نداشته باشد؛ نیز با دقت در

1. Idem, "un nouvea recit de la conquete de l Afrique du Nord" dans *Historiques sur...*, pp.22-23.

۲. برای اطلاع بیشتر از این نوشتارها نک: Shatzmiller, p.22.

3. Shatzmiller, p.23.

۴. منونی، ۶۹.

۵. ابن ابی زرع، ۹۲.

کلام نویسندۀ توان حدس زد که ابوالعباس مذکور در حدود سالهای ۷۱۰ ق در گذشته باشد<sup>۱</sup> و این در حالی است که بدرستی می‌دانیم مؤلف حقیقی کتاب، حوادث را تا سال ۷۲۶ ق<sup>۲</sup> ذکر کرده و احتمالاً پس از این تاریخ نیز به حیاتش ادامه داده است.

پذیرش ابوعلی صالح بن عبدالحلیم به عنوان مؤلف کتاب نیز از آن رو که محققان وی را با ابن عذاری یا یکی از راویان او منطبق کرده‌اند<sup>۳</sup>، سخت در تردید است؛ به علاوه نگارش اثری در تاریخ فاس توسط فردی گمنام که از یک طرف به دربار مرینی وابسته نیست و از طرف دیگر خود در شهر نفیس تولد یافته، و هیچ تعلق خاطری به فاس ندارد، به تردید بیشتر در انتساب کتاب به او دامن می‌زند.

نظر پاره‌ای محققان در تأیید دو قرطاس و فقدان یکی از آن دو، مستند به دلیلی قاطع نیست<sup>۴</sup> و با بررسی دقیق کتاب می‌توان به قرینه‌ای در تأیید این فرض دست یافت که نسخه *الانیس المطرب* کنونی تلفیقی از رونوشت اول و دوم کتابی باشد که ابتدا بوسیله عبدالحلیم غرناطی، کاتب دوره مرینی، رنگ تألیف یافته و سپس ابوالحسن علی بن ابی زرع فاسی آن را تکمیل کرده است. از جمله این قراین می‌توان به تکرار عبارت «قال المؤلف للکتاب»<sup>۵</sup> همراه با جملات دعایی عفا لله عنه و رحمه الله اشاره کرد که محتملاً حکایت از بازنویسی آن بوسیله فرد دیگری دارد. این فرضیه محتاج بررسی‌های بیشتر بویژه استفاده از ابزارهای زبان‌شناختی است تا به کمک آن تفاوت زبانی و بیانی بخش‌های مختلف کتاب را بتوان معلوم داشت. به هر روی تا پیش از آن که این فرضیه مدلل گردد، باید همچون جزئانی معاصر مؤلف و دیگر نویسندۀ تاریخ محلی فاس کتاب را به ابوالحسن بن عبدالله بن ابی زرع منسوب داریم<sup>۶</sup>. مهمترین دلیل در اثبات انتساب کتاب به وی این که مؤلف پاره‌ای از حوادث تاریخی را به اثر بزرگتر خود، *ازهار البستان فی اخبار الزمان* ارجاع داده<sup>۷</sup> و حاجی خلیفه نیز صحت انتساب کتاب اخیر به ابن ابی زرع را تأیید کرده است<sup>۸</sup>.

۱. همانجا.

۲. همو، ۴۵، ۵۲۲.

۳. بن منصور، ۸.

۴. نک: منونی، ۶۲.

۵. ابن ابی زرع، ۴۰، ۴۳، ۵۳، ۵۹، ۶۸، ۷۵، ۸۷ و جم.

۶. جزئانی، ۲۴، ۲۸.

۷. ابن ابی زرع، ۲۱، ۱۶۶.

۸. ۹۶۲/۲.

### بررسی و نقد محتوا

چنانکه پیش از این گفتیم کتاب را باید در زمره تواریخ محلی قلمداد کرد و برخلاف نام فریبی آن که گویی کتاب را تاریخ منطقه‌ای مغرب به ویژه فاس معرفی می‌کند، از اوضاع سیاسی-اجتماعی مغرب اوسط وادنی سخنی به میان نیاورده است؛ این موضوع نباید موجب گردد تا شبهه افتادگی بخش‌هایی از کتاب را درست بیندازیم. چرا که نسخه‌های خطی متعددی از کتاب در دست است که محتوای آنها یکی است و بی هیچ سقطنی، از آغاز تا انجام اثر را دربر دارد.<sup>۱</sup> از این توصیف می‌توان دریافت که مراد مؤلف از ذکر مغرب در عنوان کتاب، تنها اشاره به مغرب اقصی بوده است. به هر روی *الانیس المطرب* که امروزه به ویژه پس از تألیف کتابی به همین نام از سوی محمدبن الطیب علمی، با نام اختصاری *قرطاس* شناخته شده است<sup>۲</sup>، یک دوره تاریخ مغرب اقصی با تأکید بر تحولات سیاسی-اجتماعی فاس از سال ۱۴۵ تا زمان تألیف کتاب یعنی ۷۲۶ق<sup>۳</sup> را دربردارد.

درباب کلمه «قرطاس» در عنوان کتاب درخور ذکر است که برخلاف رأی برخی مستشرقان که آن را به معنای کاغذ پنداشته‌اند، به نظر می‌رسد این نام تصحیفی باشد از «فرطاس» لقب زیری بن عطیه مغراوی که در اواخر قرن چهارم باغی بدین نام در فاس ساخته بوده است<sup>۴</sup>؛ منابع به این باغ که از مشهورترین تفرجگاههای فاس در قرون وسطی به شمار می‌رفت، اشاره کرده‌اند.<sup>۵</sup>

با بررسی دقیق می‌توان کتاب را به دو بخش تقسیم کرد: بخش نخست، تاریخ محلی فاس است که به تحولات آن از بدو تأسیس تا دوره بنومرین پرداخته<sup>۶</sup> و بخش دوم را می‌توان تاریخ مغرب اقصی دانست که مؤلف به شرح حال و وقایع سیاسی-اجتماعی دودمانهای حاکم در آن ناحیه چون ادریسیان، حکومت قبایل زنانه: بنی مغراوه و بنی یفرن، مرابطون، موحدون و به ویژه مخدومان خویش یعنی مرینی‌ها پرداخته است.

مقدمه مؤلف نکته جدید و قابل ملاحظه‌ای ندارد و پس از حمد و سپاس خدا و درود بر

۱. به عنوان نمونه نک: نسخه خطی کتاب در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۵۲۵۹.

۲. بن منصوره، ۵.

۳. همو، ۴۵؛ ۵۲۲.

۴. عبادی، ۳۴۸؛ فکرت، «ابن ابی زرع»، دبا، ۶۵۷/۲.

۵. همانجا، به نقل از *مفاخر البربر*.

۶. ابن ابی زرع، ۱-۹۲.

پیامبر به صورت مبالغه آمیزی «دولت علیه سعیده بنی مرین» و به ویژه از میان آنها «پادشاه زمان، چراغ اسلام و ایمان، امیرالمسلمین ابوسعید عثمان» را ستوده و برای بقا و گسترش ارضی این دولت دعا کرده است. پس از ستایش ممدوح خود، در باب هدف، شیوه و روش تدوین کتاب می گوید:

چون عظمت و بزرگی دولت بنومرین - که خداوند آن را طولانی گرداند و جاودان سازد- و ... را دیدم تصمیم گرفتم درباره آنان کتابی تألیف کنم که عجایب تاریخ و نوادر و شگفتی‌های روزگار و اخبار و آدابی که از دید مورخ باریک بین پنهان نمی‌ماند، دربر گیرد؛ از این رو کتاب را با گزیده‌ای از اخبار پادشاهان و امرای پیشین و امت‌های گذشته و ... آغاز کردم و آن را برحسب امارت امیران و پادشاهی پادشاهان و خلافت خلفا، یکی پس از دیگری برحسب توالی تاریخی از زمان امام ادریس بن عبدالله حسنی تا عصر حاضر مرتب نمودم و ... از بیم درافتادن به اطناب مملّ و ایجاز مخلّ با آن که روایات را از راویان ثقه برگرفته‌ام، اما اسناد آن را حذف کرده‌ام تا از نظر حجم کتاب، راهی میانه در پیش گرفته باشم.<sup>۱</sup>

مؤلف بی تردید به ادریسیان و علویان مغرب علاقه بسیار داشته و از آنان به عنوان اهل بیت پیامبر یاد می‌کند؛<sup>۲</sup> ادریس اول را مولای خود دانسته<sup>۳</sup> و ادریس دوم را مبالغه آمیز ستوده<sup>۴</sup> و کراراً بر امامان ادریسی دعا کرده است؛<sup>۵</sup> به گونه‌ای که توان گفت پس از بنومرین، ادریسیان رفیع‌ترین مرتبه را در نظر او دارند. با این همه اطلاعات او در باب ادریسیان را به هیچ وجه نباید بی چون و چرا پذیرفت؛ زیرا در باب شکل‌گیری دولت ادریسی به اشتباه، قیام نفس زکیه را با قیام فح درآمیخته است<sup>۶</sup> و برخلاف گزارش‌های فراوان تاریخی که به هنگام وقوع حادثه فح، هادی را خلیفه عباسی می‌داند او از مهدی به عنوان خلیفه یاد کرده است.<sup>۷</sup> به هر روی اطلاعات او در باب شکل‌گیری دولت ادریسی با کهنترین تاریخ در دسترس از این خاندان یعنی /خبر فح

۱. همو، ۱۷.

۲. همو، ۵۵.

۳. همو، ۱۱۷.

۴. همو، ۳۰.

۵. همو، ۴۸-۴۹.

۶. همو، ۱۷.

۷. همو، ۱۱۹.



رازی تناقض بسیار دارد.<sup>۱</sup>

مؤلف، در بخش دوم، یعنی تواریخ سلسله‌های حکومتگر مغرب اقصی، نه تنها خود را به فاس محدود نکرده که به تناسب از روابط این خاندان‌ها با حاکمان اندلس نیز سخن گفته است؛<sup>۲</sup> به ویژه، نبردهای مسلمانان و مسیحیان در اندلس را با همه جزئیات منعکس کرده است؛ روایت او از نبرد زلاقه بسیار کامل است و نبرد الارک را با جزئیات دقیق آن: علل و عوامل، شکل‌گیری، خطبه‌های فرماندهان متخاصم<sup>۳</sup> و تشویق‌های تهییج‌آمیز آنان<sup>۴</sup> بازتاب می‌دهد؛ روحیه جهادگرانه دینی طرفین درگیر و این که مؤلف آرزو می‌کرده تا مسلمانان پیروز شوند، از گفتارش آشکارا نمودار است. این نوع نگرش تعصب‌آمیز اعتقادی به حوادث تاریخی، در عصری که مولف در آن می‌زیسته و مسیحیان شهرهای اسلامی اندلس را یکی پس از دیگری تصرف می‌کردند، موجه می‌نماید؛<sup>۵</sup> هم از این روست که بلافاصله پس از ذکر نام الفونسو او را لعن می‌کند و مورد عتاب قرار می‌دهد.<sup>۶</sup>

در دوره پیش از بنومرین جز پاره‌ای نکات ارزشمند که در تاریخ فرهنگی به کار آید،<sup>۷</sup> به اطلاعات ارزشمندی بر نمی‌خوریم؛ اما در دوره مرینی‌ها وضع به گونه‌ای دیگر است؛ در این قسمت که به تقریب حدود  $\frac{2}{5}$  حجم کتاب را دربر می‌گیرد، ابن ابی زرع کوشیده تا متکلفانه مخدومان خویش را ستایش کند. او تاریخ بنومرین را با خطبه‌ای مسجع که حکایت از شرف و بزرگی آنان در جنگ آوری، دینداری و حکومتگری دارد، آغاز می‌کند<sup>۸</sup> و با اشاره به اصل و تبار آنان و انتسابشان به زناته، سخت در تلاش است تا بربران زناته را عرب خالص جلوه دهد<sup>۹</sup> و پیدایش حکومت آنان را اراده الهی بنامد<sup>۱۰</sup>. پس از ذکر اجمالی در باب شکل‌گیری حکومت مرینی، دوره یعقوب المنصور را با تفصیل بیشتری وصف می‌کند و به شرح دعوت بنی احمر از

۱. همو، ۲۲.

۲. همو، ۱۸۳، ۱۸۸-۲۰۰.

۳. همو، ۲۹۷.

۴. همو، ۲۹۸.

۵. نک: همو، ۲۹۲-۲۹۷؛ ۳۰۸-۳۱۵.

۶. همو، ۲۹۸.

۷. به عنوان نمونه نک: همو، ۲۲۷، ۲۸۶، ۳۰۱، ۳۰۴.

۸. همو، ۳۶۴.

۹. همو، ۳۶۵.

۱۰. همو، ۳۶۸.

او برای مقابله با تهاجمات مسیحیان می‌پردازد.<sup>۱</sup> کتاب از این پس شرح جانفشانیهای منزل به منزل یعقوب مرینی در کمک به بنی احمر با هدف بازپس‌گیری اراضی اسلامی اندلس از مسیحیان است که تلاش‌های مؤلف در جهت وصف روحیه جهادگرانه امرای مرینی از خلال آن به خوبی نمودار است.

او بر ذکر جزئیات دقیق حوادث تأکید می‌کند و به درستی می‌توان در باب حملات امرای مرینی به اندلس و شرح آخرین مجاهدت‌های مسلمین با هدف بازپس‌گیری اراضی اسلامی و نجات آن از دست فرنگان، اثر او را منبعی کم‌نظیر دانست.<sup>۲</sup> نیز از این دست است گزارش وی از سلطه مرحله به مرحله سانچو، امیر مسیحی اسپانیا و قطع ارتباط مغرب با اندلس از طریق سیطره و تسلط بر جبل الطارق.<sup>۳</sup> اهمیت این موضوعات موجب می‌شود تا به مطالب اندک او از اوضاع علمی-فرهنگی فاس در دوره مرینی‌ها خرده‌نگیریم.<sup>۴</sup>

### شیوه تدوین

مؤلف در بخش نخست کتاب، آشکارا به خط‌نگاری و فضائل نویسی نزدیک شده است؛ او به تفصیل به تخطیط و بنای دیوار شهر، مساجد جامع، خانه‌ها، باغ‌ها، نهرها، دروازه‌ها، حمام‌ها و بازارهای فاس اشاره کرده و مکرر از پیشینه عظیم تاریخی، حاصلخیزی اراضی کشاورزی و آب و هوای دلپذیر آن سخن رانده<sup>۵</sup> و برای بیان فضیلت این شهر، چنانکه شیوه معمول مورخان محلی است، به روایتی ساختگی از پیامبر اکرم استناد می‌کند که وی فرموده: «در مغرب شهری است که فاس نامیده می‌شود؛ ساکنان آنجا نمازگزارترین اهل مغرب‌اند و دقیق‌ترین قبله آنجا از آن‌ان است. در راه سنت و جماعت و حق گام برمی‌دارند و تا زمانی که بدان دو دست یازند، از گزند مخالفین درامانند و خداوند تا روز قیامت بلایا و مصائب را از آنها دفع می‌کند».<sup>۶</sup>

۱. همو، ۴۰۸.

۲. نک: همو، ۴۵۰ و بعد؛ نیز تحلیل‌های ارزشمند کاگای در:

Kagay, 197-199, 214.

۳. همو، ۵۰۱، نیز نک: به آثار ذیل که به دقت اطلاعات کتاب را مورد مطالعه قرار داده‌اند:

Flori, *Croisade et chevaleri*, 207; Joseph Callaghan, *A History of Medieval Spain*, 209, 339, 376, 392, 518.

۴. نک: سرتاسر گفتار مؤلف در این بخش که علی‌رغم سخن از عمران و آبادانی (۵۳۷، ۵۴۲، ۵۴۵)، و فیات، حوادث طبیعی (۵۳۹، ۵۴۴) و ... از اوضاع فرهنگی فاس سخن نگفته است.

۵. ابن زرع، ۵۳.

۶. همو، ۴۵.

او برای تبیین مطالب تاریخی خویش، به مناسبت از جغرافیا نیز کمک می‌گیرد و در این خصوص اطلاعات شایان توجهی از پراکندگی قبایل مغرب، روابط و سکونت‌گاههای آنان<sup>۱</sup> و نیز صنایع فاس<sup>۲</sup> به دست می‌دهد؛ به گونه‌ای که کتاب را به منبعی کم‌نظیر در باب جغرافیای انسانی و اقتصادی مغرب، به ویژه فاس تبدیل کرده است.

نویسنده در بخش دوم، برخلاف بخش نخست که دارای روشی روشن در تدوین مطالب نیست و آشفته می‌نماید، تقریباً از روشی منظم پیروی کرده است؛ او سلسله‌های اسلامی مغرب اقصی را به ترتیب توالی تاریخی ذکر کرده و ذیل نام هر یک از فرمانروایان، به نسب کامل شخص، کنیه، نام مادر، خصوصیات اخلاقی و ویژگی فردی، مولد، وفات، فرزندان، آغاز و پایان حکومت، حاجبان، وزراء، قضات و نویسندگان و اطبای آنان پرداخته است؛ اما یک باره شیوه بیان اخبار را از موضوعی به سالشمار تغییر داده و برخلاف قسمت موضوعی کتاب که غالباً به تحولات سیاسی داخلی صرف دودمان‌ها عنایت دارد، در بخش سالشمار، به روابط خارجی با دولت‌های هم‌جوار، حوادث طبیعی از قبیل قحطی، زلزله، کسوف، آتش سوزی، طاعون و وبا، بادهای مهلک و گاه وفیات و موالید مشاهیر شهر تأکید می‌ورزد. از این رو می‌توان کتاب را جامع بین شیوه خشک سالشمار و موضوعی دانست؛ در اتخاذ شیوه سالشمار نیز مؤلف شیوه‌ای خاص دارد و گذشته از ذکر دقیق سال، غالباً از ماه و روز حادثه نیز یاد می‌کند<sup>۳</sup>؛ قابل توجه این که در پاره‌ای از مواقع، علاوه بر تاریخ قمری برابر میلادی وقایع را نیز می‌آورد<sup>۴</sup>. این تطابق در جاهایی که از محصولات کشاورزی و فصل درو سخن دارد، نظر به گردش فصول در ماههای قمری، احتمالاً گویای این نکته خواهد بود که کشاورزان از تقویم میلادی استفاده می‌کرده‌اند<sup>۵</sup>. در بخش مربوط به مرینی‌ها، کتاب از سالشمار به روزشمار تحول می‌یابد<sup>۶</sup> و نویسنده خود را به ذکر دقیق‌تر زمان وقوع حوادث، حتی در ماه و روز آن ملتزم می‌داند<sup>۷</sup>؛ بدیهی است اطلاعات بی‌واسطه مولف به او کمک کرده تا به حجم نوشته‌های خود در این قسمت به میزان قابل

۱. همو، ۳۷، ۵۲.

۲. همو، ۵۸.

۳. نک: همو، ۴۶، ۴۹، ۵۰، ۱۹۸ و جم.

۴. همو، ۷۹، ۱۹۱، ۵۳۸.

۵. همو، ۵۳.

۶. نک: همو، ۴۴۹ و پس از آن.

۷. نک: همو، ۴۴۴، ۴۴۵ و جم.

توجهی بیفزاید.

در باب شیوه او در بخش مرینی‌ها این موضوع قابل توجه است که چون از نزدیکان ابوسعید عثمان مرینی است<sup>۱</sup>، مکرر برای این خاندان و بقای حکومت آنان دعا کرده<sup>۲</sup> و حتی از تکریم غیرمعمول او نیز پروایی نداشته است<sup>۳</sup>. این مایه از تکلف در مدح ممدوحان خویش باعث شده تا کتاب وی مورد انتقاد تند و گزنده محققان این حوزه قرار گیرد<sup>۴</sup>. خرده‌گیری‌های سخت این پژوهشگران شگفتی ندارد، زیرا معاصر او، ابوعبدالله بن مرزوق، به هنگام سخن از نسب بنومرین وی را چنین مورد اتهام قرار داده است: «آنچه را ابن ابی زرع در باب نسب بنومرین نگاشته، در پیشگاه مولی ابوالحسن مرینی خواندم و از او شنیدم که گفت: پدرش مولی ابوسعید عثمان بسیاری از اخبار ابن ابی زرع را منکر بود و آنها را دروغ و خلاف واقع می‌دانست»<sup>۵</sup>.

### اسلوب نگارش

از مقدمه کتاب به خوبی توان دریافت که مؤلف به موضوعات ادبی علاقمند است؛ اما به رغم تکلفات بسیار به خوبی از عهده این کار برنیامده است؛ او ضمن تلمیح به آیات قرآنی، مکرر از الفاظ مشابه استفاده کرده<sup>۶</sup> و هم از این روست که ابن تاوایت بیان او را سست و کم‌مایه دانسته است<sup>۷</sup>. این ضعف از دو بیت شعری که محتملاً متعلق به خود اوست و در مقدمه، آورده<sup>۸</sup> نیز آشکار است. برخلاف مقدمه نثر کتاب در مجموع ساده و روان است، اما در سراسر کتاب از این شیوه به طور یکسان پیروی نشده و چون به دوره سیادت بنومرین می‌رسیم<sup>۹</sup>، به ویژه به هنگام ذکر رشادت‌های امرای مرینی در مقابله با مسیحیان در اندلس<sup>۱۰</sup>، کتاب رنگ ادبی بیشتری به خود می‌گیرد. نیز استفاده از اشعار در لابلای گزارش‌های تاریخی، تقریباً در همه جای کتاب به

۱. نک: همو، ۵۲۲.

۲. همو، ۴۹، ۵۱، ۸۳، ۸۷، ۳۶۸.

۳. نک: همو، ۳۷۲-۳۷۳، ۳۹۴، ۵۲۷.

۴. نک: انتقادات میراندا و بویجس در عبادی، ۳۴۹.

۵. ابن مرزوق، ۱۰۸-۱۰۹.

۶. نک: استعمال مکرر کلمات غرر، مکارم، برکات در مقدمه.

۷. ابن تاوایت، ۴۱۵.

۸. ابن ابی زرع، ۱۶.

۹. نک: ۳۶۴ و بعد.

۱۰. نک: ۴۲۶، ۴۳۶، ۴۶۹ و بعد.

چشم می خورد، از آن جمله است اشعاری که درباره ادریسیان سروده شده<sup>۱</sup> یا ابیات منسوب به ابراهیم بن اغلب که پس از قتل راشد، غلام ادریس اول برای هارون سروده است<sup>۲</sup> و نیز منقولات او از اشعار یوسف بن نحوی<sup>۳</sup>، ابو عبدالله مغیلی<sup>۴</sup> و از همه مهم تر عبدالعزیز ملزوزی<sup>۵</sup>، شاعر دوره مرینی که از نظر شمار ابیات بالاترین جایگاه را در کتاب دارد.

### منابع

بی تردید ارزش مطالب تاریخی کتاب -جز در دوره مرینی ها- بیش از هر چیز مربوط به منابعی است مفقود که ابن ابی زرع از آنها بهره های کافی گرفته است؛ به دیگر سخن *الانسیس المطرب* جز در دوره مرینی ها کتابی است نقلی که نویسنده در نظم و ترتیب آن بسیار کوشیده است. با استقصای دقیق می توان منابع مورد استفاده مولف را به چهار گروه تقسیم کرد:

۱. منابع شناخته شده از قبیل *المقباس فی اخبار الاندلس و المغرب و تاریخ فاس*<sup>۶</sup>، *ارجوزة تاریخی نظم السلوک فی الانبیاء و الخلفاء و الملوک* از عبدالعزیز ملزوزی<sup>۷</sup>، *المتقبس فی اخبار المغرب و فاس و الاندلس* از محمد بن حماد برنسی سبتی<sup>۸</sup>، *تاریخ مدینه فاس ابوالقاسم بن جنون*<sup>۹</sup>، *تاریخ ابن غالب*<sup>۱۰</sup> و *القبس ابن الفیاض*<sup>۱۱</sup>؛ از این فهرست به خوبی توان دانست که اهمیت مطالب کتاب بیشتر بخاطر استفاده ابن ابی زرع از منابعی است که امروزه در دست نیستند و از این طریق می توان در تبیین تکامل نوشته های تاریخی مغرب و احیاناً بازسازی آنها بهره جست.

۲. منابع ناشناخته: استفاده از منابع ناشناخته و مبهم در مقایسه با منابع دسته اول، چندان

۱. ابن ابی زرع، ۳۲.

۲. همو، ۲۳.

۳. همو، ۴۱.

۴. همو، ۴۲.

۵. همو، ۴۷۶-۴۹۰.

۶. نک؛ همو، ۲۹، ۶۰ و جم.

۷. همو، ۳۲۲، ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۹۱ و جم.

۸. همو، ۳۴، ۴۶، ۶۱، ۱۰۴ و جم.

۹. همو، ۶۹، ۷۴، ۲۱۰، ۲۵۹ و جم.

۱۰. همو، ۳۶، ۴۵، ۴۶، ۵۰ و جم.

۱۱. همو، ۱۱۷، ۱۴۵.

زیاد نیست؛ مولف از این منابع گاه با «ذکر بعض المورخین»<sup>۱</sup> و گاه با گزینش روایتی که تقریباً همیشه مرسل است<sup>۲</sup>، اشاره کرده؛ حجم گزارش‌های تاریخی کتاب که بر این دسته از منابع مبتنی هستند، اندک و انگشت شمارند؛ با این وصف آشکار است که این ابی زرع در بخش‌های روایتی کتاب، خود را به ذکر نام منابع مورد استفاده ملتزم می‌دانسته است.

۳. اسناد: نویسنده *الانیس المطرب* به استفاده گسترده از کتیبه‌ها، مسکوکات، عهدنامه‌ها و مکتوبات اداری در اثر خود عنایت جدی دارد و از این نظر می‌توان کتاب را درخور ستایش دانست؛ فی‌المثل به هنگام بحث از زاویهٔ قرویین علاوه بر تشریح دقیق عناصر معماری و ساختمانی، در برخورد با هر کتیبه، آن را بازخوانی و در اثر خود منعکس می‌کند<sup>۳</sup>؛ در کنار این کتیبه‌ها باید به نگاشته‌های روی سکه‌ها<sup>۴</sup>، خاتم‌ها<sup>۵</sup>، بیرق‌ها<sup>۶</sup> و نیز نص برخی از مکاتبات ارزشمند<sup>۷</sup> رسمی اشاره کنیم که در اثر او جایگاهی ممتازتر از کتیبه‌ها دارد؛ به عنوان نمونه سکه یوسف بن تاشفین را چنین وصف می‌کند: «بر روی سکه عبارت لا اله الا الله، محمد رسول الله و کمی پایین‌تر نام یوسف بن تاشفین و در اطراف آن آیهٔ و من یتبع غیرالاسلام دیناً فلن یقبل منه نوشته شده؛ بر روی دیگر سکه، نام امیر عبدالله العباسی و تاریخ و محل ضرب آن آمده است»<sup>۸</sup>. اهمیت این سکه نوشته‌ها، زمانی بیشتر می‌شود که به گروه‌های استقلال طلب شورشی متعلق باشد که امروزه از آنها چندان اطلاعی در دست نیست<sup>۹</sup>. این میزان استفاده از اسناد و توصیف دقیق آنها در نگارش اثری تاریخی را به حق می‌توان از ویژگی‌های ممتاز او دانست.

۴. منابع شفاهی: برخلاف منابع مکتوب که ارزش آنها غالباً به حفظ، نگهداری و انتقال مطالب آنها به دوره‌های متأخرتر بود، اطلاعات مولف از حوادثی که خود شاهد آن بوده یا

۱. همو، ۱۰۴، ۱۳۷، ۲۳۲.

۲. همو، ۳۱، ۴۱.

۳. نک: همو، ۷۰، ۷۳، ۷۴، ۷۹، ۸۳.

۴. نک: همو، ۱۱۰، ۱۷۴، ۲۷۴.

۵. نک: همو، ۲۸۴، ۳۰۴.

۶. نک: همو، ۲۹۹.

۷. نک: همو، ۱۸۹-۱۹۲، ۲۵۷-۲۵۸، ۲۹۰-۲۹۱.

۸. نک: همو، ۱۷۴.

۹. غالب نوشته‌های تاریخی به علت غلبه رنگ دودمانی و حمایت از جریان حاکم، از نگارش شرح حال افراد شورشی و باز تاباندن قدرت آنها امتناع می‌ورزند؛ از این دست است شورش مرزدغ غماری علیه یوسف موحدی که این ابی زرع نه تنها از سکه او بلکه از عبارت ضرب شده بر آن نیز یاد کرده است؛ این ابی زرع، ۲۷۴.

بی‌واسطه از پیرامونیان شنیده، اهمیت فراوان دارد. متأسفانه او در این بخش جز در موارد معدودی از منابع خود یاد نمی‌کند، ولی از این نمونه‌ها روشن می‌شود که در نقل روایت از دیگران، به وثاقت راوی و مکان و عدالت او اهمیت می‌داده است. از این روست که او گاه با عبارت «حدثنی من ائق من اهل التاریخ»، و یا «أخبرنی الفقیه، القاضی» به مخاطبان خود اطمینان می‌دهد که به اعتبار راویان خود توجه کافی نشان داده است.

### کتابشناسی

- ابن ابی زرع، ابوالحسن، *الانیس المطرب بروض القرطاس فی اخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینة فاس*، به کوشش عبدالوهاب بن منصور، رباط، المطبعة الملكية، ۱۹۹۹.
- \_\_\_\_\_، *نسخة خطی در دانشگاه تهران به شماره ۵۲۹۲*.
- ابن تاویت، محمد، *الوافی بالادب العربی فی المغرب الاقصى*، بی جا، دارالثقافة، ۱۹۸۳.
- ابن خطیب، لسان الدین، *الاحاطة فی اخبار غرناطة*، به کوشش یوسف علی طویل، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۳.
- ابن سوادة، عبدالسلام بن عبدالقادر، *دلیل مورخ المغرب الاقصى*، تطوان، مطبعة الحسینیة، ۱۹۵۰.
- ابن قاضی، ابوالعباس احمد، *لقط الفرائد در الف سنة من الوقیات*، به کوشش محمد حجتی، رباط، مطبوعات دارالمغرب، ۱۹۷۶.
- ابن مرزوق، محمد، *المسندالصحیح الحسن فی مآثر ومحاسن مولانا ابی الحسن*، به کوشش ماریا خیسوس بیغیرا، الجزائر، شركة الوطنية للنشر و التوزیع، ۱۹۸۱.
- بن منصور، عبدالوهاب، *مقدمة الانیس المطرب*، نک: ابن ابی زرع.
- حاجی خلیفه، *کشف الظنون عن اسامی الکتب و الظنون*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- جزنائی، ابوالحسن علی، *جنی زهرة الآس فی بناء مدینة فاس*، به کوشش عبدالوهاب بن منصور، رباط، مطبعة الملكية، ۱۹۱۱.
- زرکلی، خیرالدین، *الاعلام*، بیروت، دارالعلم للملایین، بی تا.
- سالم، عبدالعزیز، *التاریخ و المورخون*، بیروت، دارالنهضة العربیة، ۲۰۰۲.
- سرکیس، یوسف الیان، *معجم المطبوعات العربیة و العربیة*، قم، مکتبة آية الله العظمی المرعشی، ۱۴۱۰.
- سخاوی، شمس الدین محمد، *الاعلان بالتوبیخ لمن ذم التاریخ*، به کوشش فرانتز روزنتال، بیروت،

دارالكتب العلمية، بي تا.

- عبادى، احمد مختار، *فى تاريخ المغرب و الاندلس*، بيروت، دار النهضة العربية، ٢٠٠٣.
- فكرت، محمد آصف، «ابن ابى زرع»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامى*، زير نظر محمد كاظم موسوى بجنوردى، تهران، ١٣٨٣.
- فنديك، ادوارد، *اكتفاء القنوع بما هو مطبوع*، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشى، ١٤٠٩.
- كحاله، عمر رضا، *معجم المؤلفين*، تراجم مصنفى الكتب العربية، بيروت، مكتبة المثنى، ١٩٨٩.
- مقرى، ابوالعباس احمد بن محمد، *نفع الطيب من غصن الاندلس الرطيب*، به كوشش احسان عباس، بيروت، دار صادر، ١٩٦٨.
- منونى، محمد، *المصادر العربية لتاريخ المغرب من الفتح الاسلامى الى نهاية العصر الحديث*، رباط، منشورات لکيلة الآداب، ١٩٨٣.

Brockelmann, *Geschichte der Arabischen Litteratur*, Leiden, Brill, 1943-1949.

Flori, J, *Croisade et chevaleri*, De boeck universite, 1998.

Idris, "Ibn Abi zar" *EF<sup>2</sup>*, Leiden, Brill, 1986.

Joseph F.O. and Callaghan, *A History of Medieval Spain*, cornell university press, 1983.

Kagay, *Crusaders, condottieri, and cannon: Medieval warfare in societies Around the Mediterranean*, Leiden, Brill, 2002.

Rosenthal, F, *A History of Muslim Historiography*, Leiden, Brill, 1968.

Shatzmiller, Maya *L'Historiographie Méridienne, Ibn khaldun et ses Contemporains*, Leiden, Brill 1982.